

# تایخ رقص در ایران

نوشته یحیی ذکاء

## پیشگفتار

وجستن‌های آنان «ضرب» و «وزن» (ریتم) پدیدار گردیده، دوباره برای یکی ساختن جنبش‌ها و پایکوبی‌ها بکار گرفته شد.

ضرب و وزن را نخست با چپ‌زدن (کف‌زدن) نواختن دست‌ها به تن و رانها و کوبیدن دوجوب بیکدیگر و سرانجام با زدن کنده‌های توخالی و طبل و دهل، نگاهداشته، توالی و توازن دست‌افشانیها و پایکوبی‌ها را حفظ می‌کردند.

با پدیداری «ریتم»، رقص و پایکوبی، شامل جنبشهای موزونی شد که در آن اندامهای گوناگون تن آدمی، هم‌آهنگ با یکدیگر، بحرکت درآمده، خواستها و هیجانهای ویژه‌ی را بازگویی و حالهای روحی معینی را بیان می‌کردند، از اینرو رقص و پایکوبی‌ها در میان مردمان دوره‌های باستانی و نوین، معنی و مفهوم و صورتهای گوناگونی از: ورزشی و جنگی، جذبه‌ی و مذهبی، تقلیدی و نمایشی، تفریحی و شهوانی، بخود گرفته، کم‌وبیش در میان همه مردمان جهان این دوره‌های دگرگونی و تکامل را پشت‌سر نهاده‌است.

در میان مردم روزگاران باستان، دامنه حرکتهایی که در رقص بکار گرفته می‌شد، بسیار فراخ بود، آن چنانکه، همه بخشها و اندامهای تن آدمی، از سر و گردن و سینه و پشت و سرین و پاها و بازوان و دستها و انگشتان و عضله‌های چهره و چشم و ابرو و مو، همه بیازی گرفته می‌شد و با درآمدن هر يك از آنان بنوبت در میدان رقص، منظور و معنیهای ویژه‌ی نمایاننده می‌شد.

رقصیدن و پدیدار ساختن جنبشهای يك نواخت و موزون و سنجیده در نخستین توده‌های مردم وحشی و نیمه‌متمدن، محرک کارها و حرکتهای دسته‌جمعی و در نتیجه زاینده هم‌آهنگی و یگانگی یکه‌های (افراد) قبیله‌ها و خاندانها بود و چون همین یگانگی در کارهای مادی، یگانگی‌های معنوی را برمی‌انگیخت، از این‌رو خواستار فراوان داشت

آدمیان از نهاد خود و بر پایه سرشت طبیعی خویشتن، هنگام احساس شادی و خوشحالی فراوان، در اندامهای خود حرکت و جنبشی حس می‌کنند و بی‌اختیار به جست‌وخیز می‌پردازند و فریادها و قهقهه‌های شادمانه از ته‌دل برمی‌کشند. نه ما، نه نیایگان ما و نه آن آدمیان نخستین که در بن غارها می‌زیستند، هیچگاه از این پادکار (عکس‌العمل) طبیعی و سرشتی، بی‌بهره نبوده‌ایم، و آدمیان در هر جا و در هر سان، بهنگام احساس خوشی و لذت فراوان به جنبش و چرخش و جست‌وخیز برخاسته‌اند.

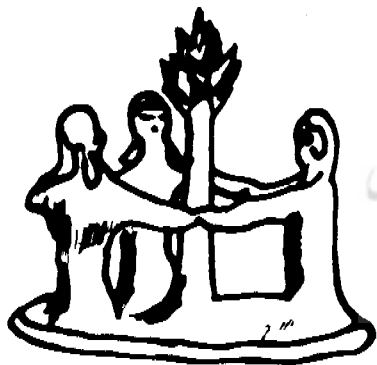
گروهی از دانشمندان رشته مردم‌شناسی و دانشهای اجتماعی، بر آنند که اجتماع، همین جنبش‌ها و جست‌وخیزهای سرشتی و انفرادی را تبدیل به پایکوبی‌ها و دست‌افشانیهای موزون دسته‌جمعی و فریادهای ناشی از نشاط و سرور را تبدیل باواز و سرود کرده‌است.

گردآوری محصول، آماده کردن و بدست آوردن فراورده‌های گوناگون، همواره برای مردم، چه شهرنشین و چه بیابانگرد و وحشی، از روزگاران بسیار باستان، دارای ارج فراوانی بوده و هست، و آدمیان نخستین و دوره‌های پیش از تاریخ، بر بنیاد نیازها و چگونگی سرزمین‌هایی که در آنها بسر می‌برده‌اند، چه شکارکنندگان، چه کشاورزان، در آن هنگام که شکاری کلان و فربه به چنگ می‌آوردند و یا از کشتزار خود، فراورده‌های فراوانی بر می‌داشتند، آن‌چنان، شادی و خوشی به تک‌تک افراد قبیله‌ها و خاندانها روی می‌آورد که همگی، خواه ناخواه، بجست‌وخیز برخاسته، دست بدست یکدیگر داده، بگرد آنچه بدست آورده بودند، به پایکوبی و دست‌افشانی می‌پرداختند، و در همین جست‌وخیزها و پایکوبی‌های همگانی بود که از يك نواختی جنبش‌ها



پیکره شماره ۱ رقص گروهی از بومیان آفریقا به دور درخت کهنسالی که مقدس شمرده می‌شود

و بخش بزرگی از کار و کوششهای آنان را فرا می‌گرفت ، چنانکه بسیاری از کارها از: نیایش خدایان و پرستش چیزهای مقدس و جشنها و عروسیها و عزاها و طلبها و بیم و امیدها با رقص توأم بود و بگفته یک دانشمند مردم‌شناس : « آنچه که امروزه بنظر ما بازی و تفریح بشمار می‌رود ، برای انسان ابتدایی یک امر جدی بوده ، آنها هنگامی که برقص بر می‌خاستند ، تنها قصدشان خوشگذرانی نبوده ، بلکه می‌خواستند ، به طبیعت و خدایان چیزهای مفید بیاموزند یا تلقین کنند و بوسیله رقص طبیعت را بخواب مغناطیسی درآورده و بزمین دستور دهند تا حاصل خوبی بیار آورد» . کوتاه سخن آنکه ، چون رقص برآستی معنای گسترده تفریح و پدید آورنده سرور و شادی و لذت است ، پس در هر جا آدمیی بوده ، لذت و شادایی بوده ، رقص نیز بوده است و ما در ریشه‌ها و بنیادهای تمدن و فرهنگ هر مردمی در جهان - حتی در وحشی‌ترین و ابتدایی‌ترین آنها - رقص را بگوناگونی و فراوانی می‌بینیم و جا دارد بگوییم که هیچ هنری نیست که بهتر و بیشتر از رقص و رقصیدن ، ویژگیهای مردم جهان را نشان دهد .

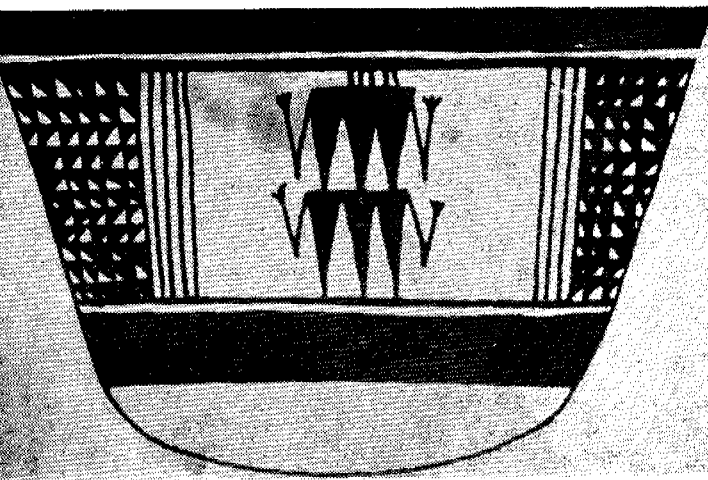


پیکره شماره ۲

### بخش یکم

#### رقص در ایران پیش از تاریخ

با بدیده گرفتن آنچه در پیشگفتار درباره رقص در میان مردم جهان گفته شد ، نیک آشکار می‌گردد که مردمانی که



بیکره شماره ۳

از هزاران سال پیش در پشته (فلات) ایران نشیمن گرفته ، دوره‌های گوناگون شهرگیری (نمدن) و فرهنگ را پشت‌سر نهاده‌اند ، هیچگاه نمی‌توانسته‌اند از این هنر نهادی که بگفته برخی از دانشمندان ، ریشه و پایه همه هنرهاست ، بی‌بهره باشند و رقص را شناسند و در برگزاری آیین‌ها و جشنهای خود نرقصند .

خوشبختانه چنانکه خواهیم آورد ، در آثاری که از روزگاران بس کهن و باستانی برای ما بازمانده، جسته و گریخته نمونه‌هایی از چندگونه رقص «دسته‌بند» (دوتایی و سه‌تایی و گروهی) و رقص «تکی» بدست آمده که همه آنها از دیدگاه بررسی تاریخ رقص در این سرزمین ، بس گرانبها و پر ارج است .

### رقص در هزاره پنجم پیش از میلاد

کهنترین نمونه‌یی که ما را از چگونگی و رواج رقص در هزاران سال پیش در ایراترزمین آگاه می‌سازد ، نگاره ساده و سیاه‌رنگی است بر روی کاسه گل پخته که از «تپه‌خزینه» شوش بدست آمده است (بیکره شماره ۳) .

در روی این کاسه در یک بخش باز و بی‌زمینه ، رقص شش‌تن آدمی در دوره سه‌تایی بگونه‌یی بسیار ساده (استیلیزه) نشان داده شده، و نگارگر از نشان دادن سروگردن رقصندگان خودداری کرده با نمایش تن آنان بشکل سه‌گوشه که بازو نشان را در شانه‌های همدیگر نهاده‌اند ، و با نگاشتن دوبازو دست که در دوسوی رده رقص به بالا خم داده شده است ، آدمی بودن آنان را نشان داده است .

زمان این کاسه گلین ، از سوی باستان‌شناسان ، از چهار تا هزار و پانصد تا پنج‌هزار سال پیش از میلاد دانسته شده و رادیو کاربن تاریخ آنرا در میان سالهای ۹۷۵ و ۵۲۵۰ تا ۵۵۱۵ پیش از میلاد نشان داده است بهرسان بودن آن از هزاره پنجم پیش از میلاد و کمی پیش از آن بی‌گمانست و بدینگونه باشناسایی این نگاره تاریخ رقص در این سرزمین تا هزاره پنجم و ششم پیش از میلاد بازمی‌گردد .

### رقصی از مردم تل‌جری در هزاره پنجم پیش از میلاد

دومین نمونه ، ظرف گلین پایه‌دار است به بلندی سی سانتیمتر که از تپه الف «تل‌جری» که در میان سه آبادی بنام: تاج‌آباد ، خیرآباد ، عزآباد در دوازده کیلومتری جنوب تخت جمشید بدست آمده و باستان‌شناسان تاریخ آنرا هزاره پنجم

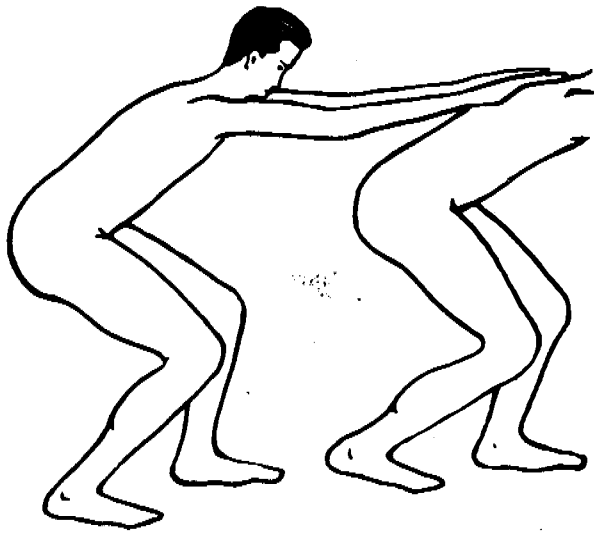
پیش از میلاد دانسته‌اند (بیکره شماره ۴) .

در پهنه درونی این سفالینه که افسوس بخشی از آن شکسته و از میان رفته است ، نگاره گروهی مردان برهنه ، نگاشته شده که بدان نیم‌خیز در پشت سر یکدیگر ایستاده و دستهای خود را به پشت مرد روبرو نهاده‌اند و با یک حالت بسامان و خضوع مذهبی در پیرامون توده‌یی که می‌توان آنرا آتش و هیزم افروخته ، یا خرمنی از فراورده‌ها یا نشانه و نماد خورشید پنداشت، به پایکوبی مشغولند .

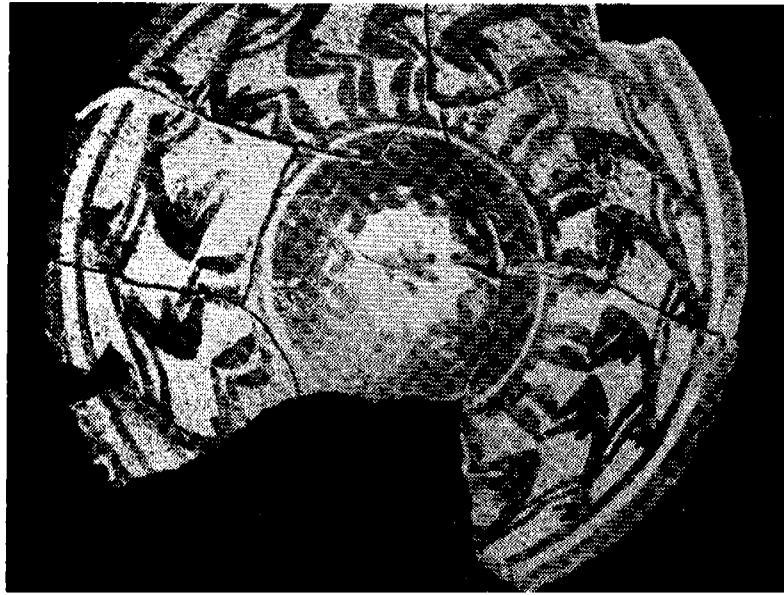
نگاره این ظرف سفالین پایه‌دار ، دومین گونه از رقص دسته‌بند را در هزاره پنجم پیش از میلاد در جنوب سرزمین ایران نشان می‌دهد .

### رقص در هزاره چهارم پیش از میلاد

از سالهای پایان هزاره پنجم و آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد ، تکه سفالی از تپه «سیلک» کاشان بدست آمده که در روی آن که پیداست بخشی از ظرف بزرگی بوده ، نگاره چهار زن در حال رقص دسته‌بند نشان داده شده است (بیکره شماره ۶) . از حال و سنان این گروه چهارتنی که خود اندکی از بسیاری و از چگونگی بازوان و تن‌هایشان واز نگاهی که به یک سو دارند ، پیداست که مشغول رقص مقدس مذهبی دسته‌بند دایره‌وار هستند .



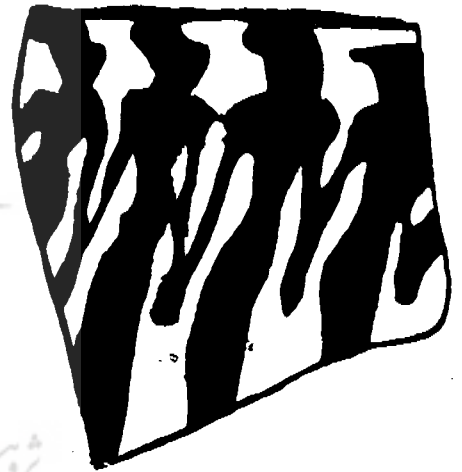
پیکره شماره ۵



پیکره شماره ۴



پیکره شماره ۶



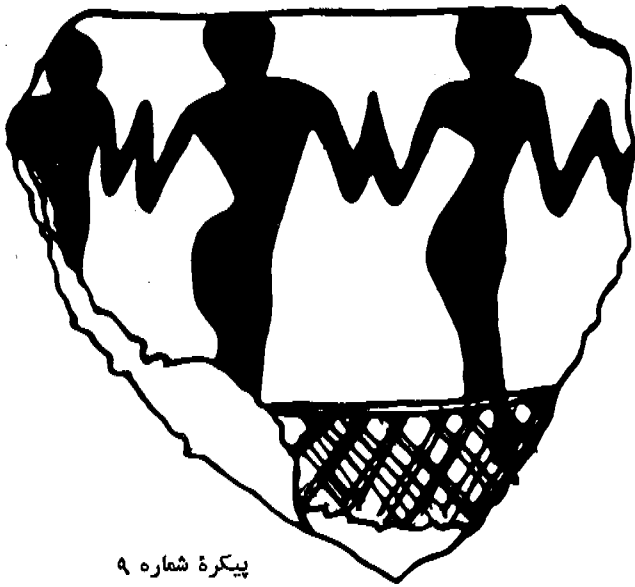
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 فصلنامه علمی با عنوان مع علوم انسانی

می دانیم این گونه رقصهای دسته بند دایره وار که در آن افراد قبیله ، پهلو به پهلو یا دست بدست و بازو بازو یا برده در پشت سر هم ایستاده ، حلقه یی را تشکیل می داده اند ، نشانه یی از اینست که رقص برای پرستش یا بزرگداشت چیزی ارجدار و مقدس ، همچون : آتش ، بت ، شکار ، توده یی از فراورده ها و خرمن گندم و درختان پر بار و کهنسال و از این گونه انجام می گرفته است .

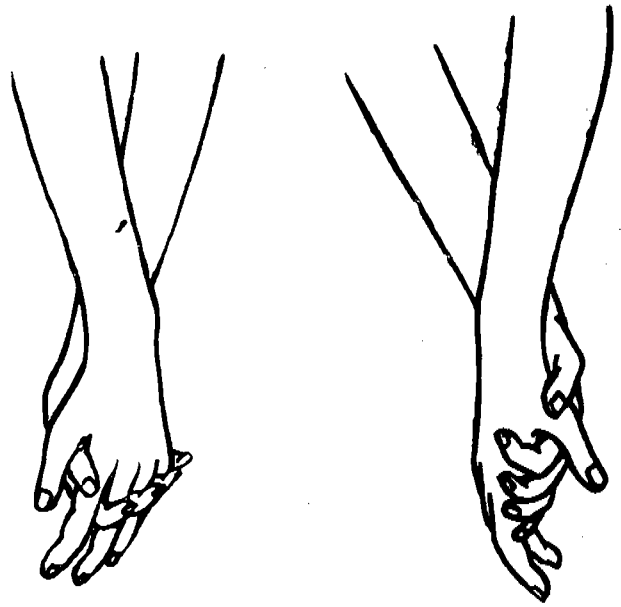
۱ - گوئیا عسجدی درباره این نگاره سروده است :

چو بازیگر همی رفتند خم داده میانک را  
 بخلق اندر یکی حلقه بتن عریان بدل بریان  
 نهاده دست چون کوران همه بر پشت یکدیگر  
 عصای یکدیگر گشته نژد از تهمت عصیان  
 ترجمان البلاغه ص ۴





پیکره شماره ۹



پیکره شماره ۸ و ۷



پیکره شماره ۱۰

با بررسی نگاره این تکه سفال و سفالهای دیگری که سپس درباره آنها گفتگو خواهیم داشت ، به چگونگی انجام گرفتن رقصها و طرز قرار گرفتن دستها و بازوان می توان تا اندازه ای پی برد ، لیک افسوس که حرکت پاها را ، که بیگمان با راه رفتن و گام برداشتن و جست و خیز و دور زدن و جز اینها توأم بوده است ، نمی توان دریافت .

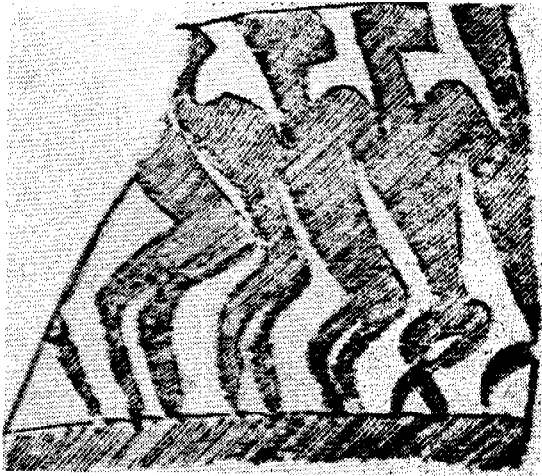
برای مثال از نگاره تکه سفال سیلک چنین می توان دانست که هر یک از رقصندگان ، دستهای دوتن دیگری را در پهلو و پایین ، آنچنان گرفته است که کف دستها بر روی هم افتاده (پیکره شماره ۷) و با انگشتانشان را شانه وار در لابلای یکدیگر فرو برده (پیکره شماره ۸) و بدینسان زنجیر و حلقه رقص را بهم پیوسته اند و این همانست که امروزه در رقصهای دسته بند کردی بکار می رود و چنانکه می بینم پس از هزاران سال هنوز دگرگونی چندانی در آن راه نیافته است .

#### رقص مردم سگز آباد قزوین در هزاره چهارم

در کاوشهای «سگز آباد» قزوین که آثار بدست آمده از آن همزمان با «سیلک» کاشان دانسته شده است ، تکه سفال نگاره داری بدست آمده که هم اکنون در بخش باستان شناسی دانشگاه تهران نگهداری می شود (پیکره شماره ۹) .

در این سفالینه ، رقصندگان که در حال اجرای رقص دسته بند دایره وار نشان داده شده اند ، برای تشکیل حلقه رقص ، بازویشان را از آرنج خم کرده انگشتانشان را در برابر شانه ها بهم پیوسته اند و طرز رقص آنان مانند رقص دسته بند سفال .

تپه موسیان است که سپس از آن گفتگو خواهیم داشت.



پیکره شماره ۱۱

### رقصی از هزاره چهارم و پنجم

در تکه سفال دیگری که از «تپه سبز» شوش بدست آمده و تاریخ آنرا میان چهار هزار و پانصد تا چهار هزار سال پیش از میلاد نوشته‌اند، باز نگاره دوتن از رقصندگان يك دسته‌بند حلقه‌یی، دیده می‌شود که با بازوان گشوده، دستهای یکدیگر را گرفته‌اند، و این رقص که در آن، رقصندگان باندازه دو بازو از همدیگر دور ایستاده‌اند، با رقص مردم سیلک که در آن شانه‌ها بهم چسبیده است و نیز با رقص مردم سگرآباد، تفاوت‌هایی دارد و گونه دیگری از رقص دسته‌بند را برای ما روشن می‌سازد (پیکره شماره ۱۰).

### رقص جنگی از هزاره چهارم

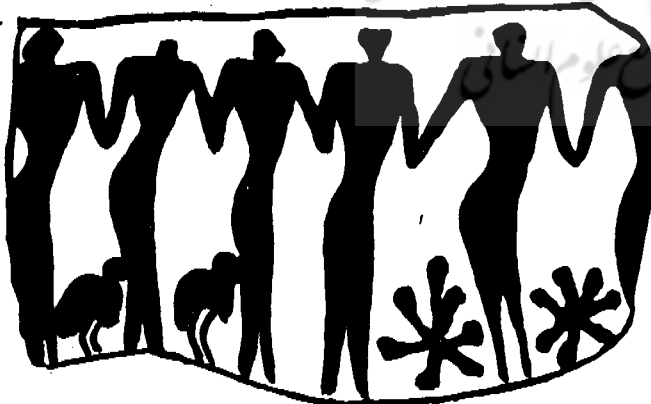
شمین تکه سفال که نمایشگر يك رقص جنگی مردانه شمار می‌رود، از «تپه حصار» دامغان بدست آمده و تاریخ آنرا برخی از باستان‌شناسان چهار هزار و پانصد و برخی سه هزار و هشتصد سال پیش از میلاد می‌دانند (پیکره شماره ۱۱). نگاره این تکه سفال پنج مرد را در حال رقص دسته‌بند نشان می‌دهد که همگی روی خود را بسوی چپ گردانیده و بازویشان را از روی شانه‌های یکدیگر گذرانیده و همدیگر را سخت گرفته‌اند، و نگاره دوتن از آنان تا اندازه‌یی حرکت پاهایشان را نشان می‌دهد. این مردان نیز مانند رقصندگان «تل جری» برهنه هستند.



### رقص مردم نهاوند در چهار هزار و پانصد سال پیش از میلاد

تکه سفالی که رقص دسته‌بند دایره‌وار گروهی از زنان را نشان می‌دهد و زمان آن از چهار هزار و پانصد تا سه هزار و پانصد سال پیش از میلاد دانسته شده است، در نهاوند بدست آمده که اینک در موزه لوور نگاهداری می‌شود. در نگاره این سفالینه، پیکر زنان با موزونی و کشیدگی و زیبایی تمام نشان داده شده و رقصندگان مانند رقصندگان سفالینه سیلک، دستهای خود را در پایین بهم پیوسته‌اند و نگاهشان همه بیک سوست (پیکره شماره ۱۲).

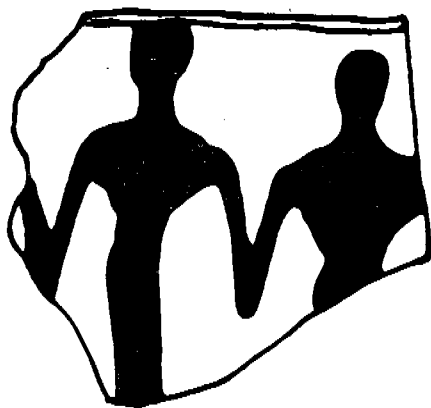
پیکره شماره ۱۲



### رقص نیایش خورشید از سیلک

بر روی تکه سفالی که زمان آنرا از هزاره چهارم پیش از میلاد می‌دانند، و از تپه سیلک کاشان بدست آمده و اینک در موزه ایران باستانست، گروهی زن یا مرد و زن حلقه‌یی از رقص دسته‌بند تشکیل داده‌اند که در آن رقصندگان پهلوئی هم ایستاده بازوان خود را از آرنج روبه‌بالا خم کرده، دستها

پیکره شماره ۱۳



بیکره شماره ۱۵



بیکره شماره ۱۴



بیکره شماره ۱۶

رقص دسته‌بند زنان از چشمه‌علی باز از همین روزگاران، تکه‌سفالی با بیکره چندرقصنده در «چشمه‌علی» بدست آمده که اکنون در موزه لوور نگاهداری می‌شود. (بیکره شماره ۱۶) در این سفال که رقص دسته‌بند گروهی از زنان را نشان می‌دهد، رقصندگان سربندها یا کلاه‌های بلندی بر سر نهاده، جامه‌های تنگ و کیسه‌یی دربر کرده‌اند که برجستگی‌های اندام آنها بخوبی پیداست و دستهایشان چنان قرارداد که می‌توان انگاشت هر دوسو، از میان پارچه یا دستمالی گرفته‌اند (بیکره شماره ۱۷) که دوسر آن از لای دستها به پایین آویخته است و با این کار نه تنها حلقه رقص بهم می‌پیوسته، بلکه حرکت دستها و بازوان و جست و خیزها و بچپ و راست گشتن‌ها آسان‌تر انجام

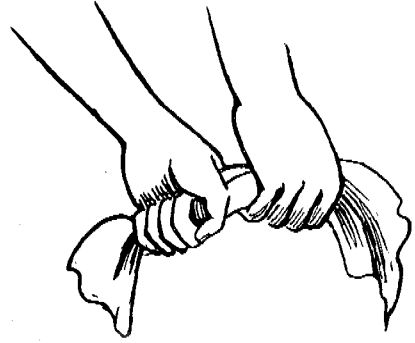
را بر روی شانه و دوشهای همدیگر نهاده‌اند (بیکره شماره ۱۳). چون نشانه‌هایی از خورشید و پرندگان آبی در فاصله رقصندگان دیده می‌شود، گمان می‌رود، رقص برای نیایش به خورشید یعنی آن خدای روشنی‌زای گرمابخش که با برآمدن خود از پشت کوه‌ها، تاریکی و هراس شب هنگام را از چشم و دل آدمیان می‌زدود در دشت و چمن انجام می‌گرفته است.

نمونه‌یی از رقص ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد نمونه دیگری از همین گونه رقص و پایکوبی را بر روی تکه سفالی که از تپه سیلک پیدا شده و از ۳۶۰۰ پیش از میلادست می‌توان یافت (بیکره شماره ۱۵).

می گرفته است.

رقص با دستمال از سیلک

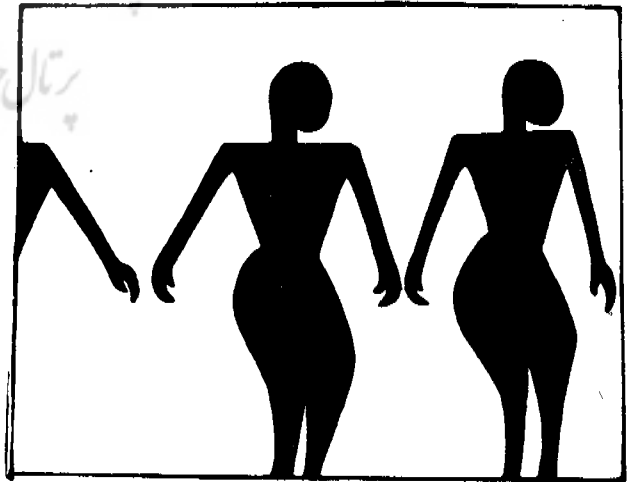
این ابتکار و نوآوری در رقص دسته‌بند را، تکه سفال دیگری از سیلک که از ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد است، نیک نشان می‌دهد، زیرا در این سفال آشکارا دیده می‌شود که تشکیل دهندگان حلقه رقص، پارچه یا دستمال یا چیز دیگری را در میان دستهای خود گرفته و برقص مشغولند (پیکره شماره ۱۸).



پیکره شماره ۱۷



پیکره شماره ۱۸



پیکره شماره ۱۹

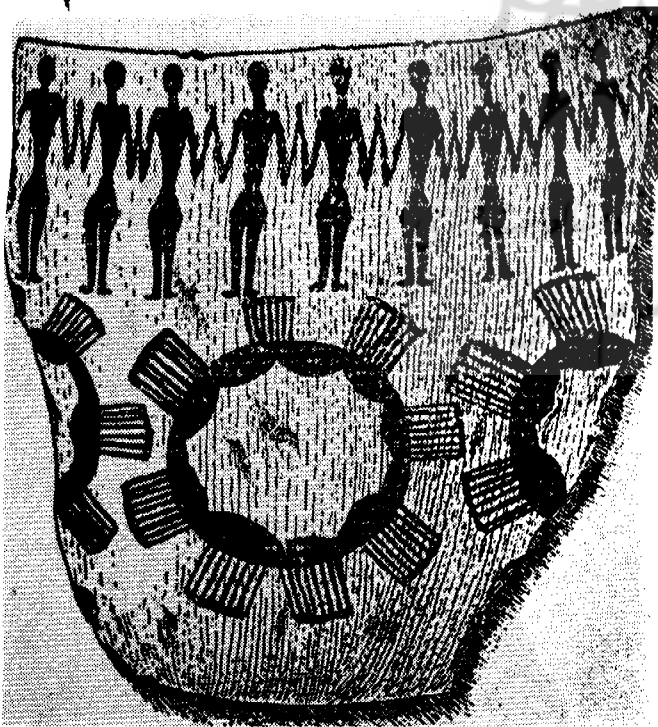
یجاست یادآوری کنیم که هنوز هم گرفتن دستمال در میان دستها، بدین گونه که گفته شد در رقصهای دسته‌بند آذربایجانیه متداولست.

رقصی دیگر از چشمه‌علی

تکه سفال دیگری نیز از چشمه‌علی بدست آمده که تاریخ آن ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد دانسته شده و اینک در مجموعه آقای محسن مقدم نگاهداری می‌شود، و خود نمونه دیگری از رقصهای دایره‌وار آن روزگاران تاریخ را نشان می‌دهد. (پیکره شماره ۱۹)، در نگاره این تکه سفال، از آزادی دستها و بازوان رقصندگان که زن هستند بخوبی می‌توان دانست که در رقصایشان حرکاتی وجود داشته که ناچار گرفتن دستها و بازوان راناشدنی می‌ساخته است.

رقص برداشت محصول و خرمن از تپه موسیان

نمونه سیزدهم تکه سفالی است از «تپه موسیان» در فاصله سالهای ۳۶۰۰ و ۳۳۰۰ پیش از میلاد که اکنون در



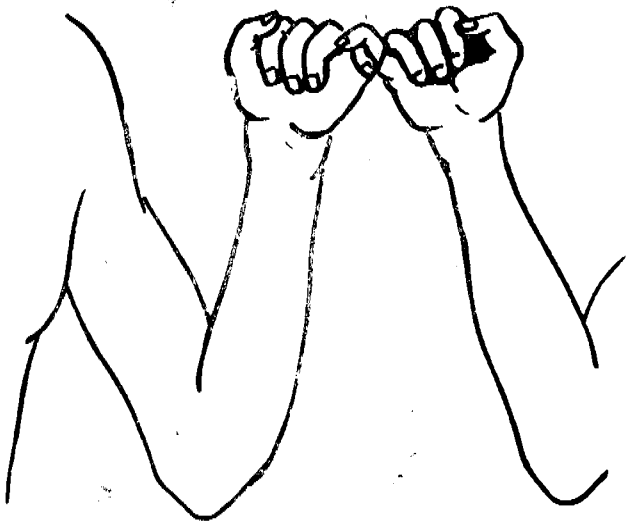
پیکره شماره ۲۰



موزه لوور نگاهداری می‌شود (پیکره شماره ۲۰).  
 بر روی این سفال رده‌یی از رقصندگان نشان داده شده  
 که گویا در دورادور ظرف - هنگامی که هنوز نشکسته بود -  
 تکرار می‌شده است.

در اینجا نیز یک رقص دسته‌بند نمایش داده شده که در  
 پیشاپیش رقصندگان کوب‌هایی نگاشته شده که بی‌مانند به  
 کوب میان سفالینه «تل‌جری» نیست و می‌توان گمان برد  
 که خواست نگارنده از نگاشتن آنها، نشان دادن خورشید یا  
 خرمنی از فراورده‌های گوناگون یا توده‌یی آتش است.

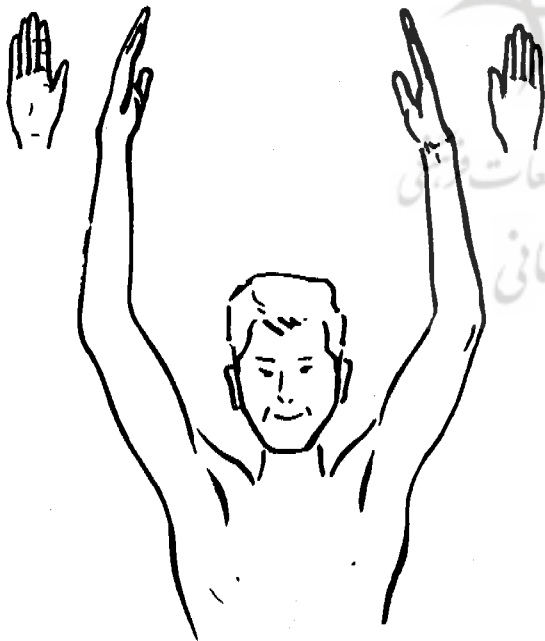
در نگاره این تکه سفال نیز رقصندگان برهنه و بی‌تنپوش  
 نمایش داده شده‌اند و از چگونگی حرکت دستها و بازوانشان  
 پیداست که برای تشکیل حلقه رقص، با خم کردن بازوان  
 از آرنج بسوی بالا، دستها یا انگشتان کوچک یکدیگر را  
 در برابر شانه‌ها می‌گرفته‌اند، و این‌گونه رقص هنوز هم در  
 میان ایرانیان ارمنی و نسطوری (سوریانی) معمولست (پیکره  
 شماره ۲۱).



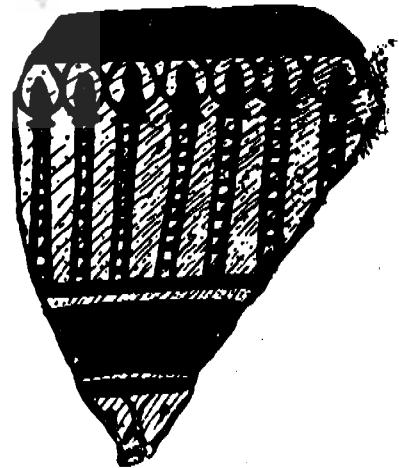
پیکره شماره ۲۱

### رقص نیایش بخدایان از موسیان

در تکه سفالی که از همتاجا و همان زمان بدست آمده  
 است، دیده می‌شود که گروه رقصندگان بازوان و دستهای  
 خود را بحال نیایش به آسمان گشوده‌اند (پیکره شماره ۲۲)  
 و چنانکه در پیکره شماره ۲۳ نشان داده شده، می‌توان گمان  
 برد که طرز قرار گرفتن کف دستها به یکی از دو گونه‌نموده  
 شده، بوده است.



پیکره شماره ۲۳



پیکره شماره ۲۲

## رقص جذبه و نمایش عروج با آسمان

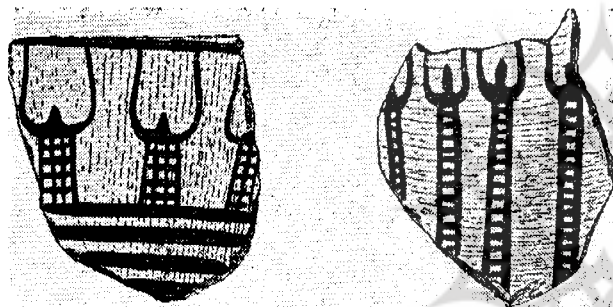


پیکره شماره ۲۴

مانند این نگاره است، نگاره تکه سفال دیگری از «تپه خزینه» موسیان که سه تن را در حال رقص با بازوان با آسمان گشوده نشان می‌دهد (پیکره شماره ۲۴) و اکنون در موزه لوور نگاهداری می‌شود و از سالهای پایان هزاره چهارم پیش از میلاد است.

فرقی که این نگاره با نگاره پیشین دارد، در اینست که در نگاره نخستین پایین تنه رقصندگان بشکل نردبانی درآمده و در این نگاره بحال طبیعی نموده شده است.

با بررسی که نویسنده در آدمیان نیمه نردبانی این تکه سفال و تکه سفالهای دیگری از موسیان که در اینجا نشان داده می‌شود، (پیکره‌های شماره ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸) کرده است، گمان می‌برد، که در این گونه رقص، بلند کردن دستها و بازوان بسوی آسمان و نقش نردبانی پایین تنه رقصندگان، نشانه‌یی از «عروج» و «صعود» به آسمان و نزدیک شدن بجایگاه خدایانست و این حالت و رقص، همچون سماع صوفیان در دوره اسلامی است که با چرخیدن و دست افشاندن بحالت خلسه و جذبه درآمده، اتصال بمبده راعنوان می‌کردند.



پیکره شماره ۲۵ و ۲۶

خطهای موازی که در زیر پا و بالای سر رقصندگان کشیده شده است طبقه‌های آسمان و زمین را نشان می‌دهد و کشیدگی تن‌های نردبانی شکل رقصندگان و پیوستن دستهای آنها به زیر آسمان، در برخی از پیکره‌ها، همانا نشانه‌یی از دسترسی به جایگاه خدایان و پیوستن بآنهاست بوسیله رقصهای مذهبی و جذبه‌یی دسته‌جمعی.

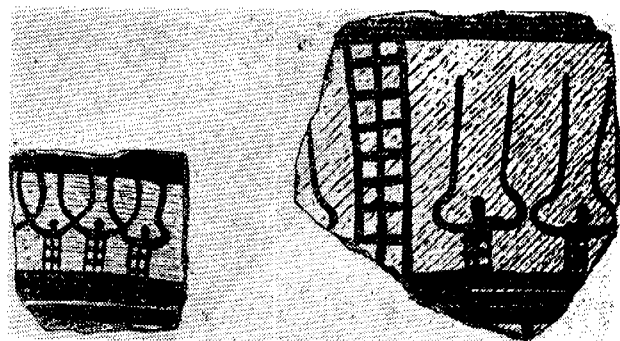
## نمونه‌یی دیگر از رقص جذبه

مهر استوانه‌یی شکلی<sup>۲</sup> که بر روی آن پیکره سه تن در حال اجرای این گونه رقص کنده شده و سخت همانند سماع صوفیان در دوره‌های اسلامی است، نمونه دیگری از رقصهای دسته‌جمعی مذهبی جذبه‌یی می‌باشد که مهرواره آن در اینجا نشان داده می‌شود (پیکره شماره ۲۹).

## رقص تفریحی تکی از هزاره سوم

نمونه دیگری از رقصهای مردمان پیش از تاریخ ایران،

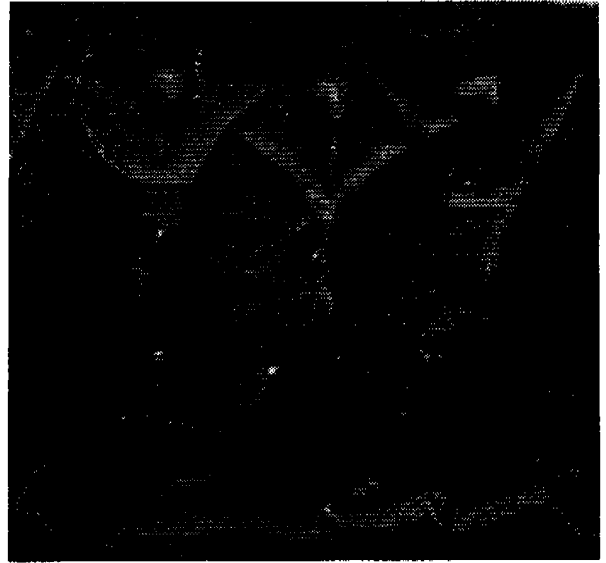
۲ - از مجموعه آقای مهدی محبوبیان.



پیکره شماره ۲۷ و ۲۸



بیکرة شماره ۳۰



بیکرة شماره ۲۹

اگر بیاد بیاوریم که رقصهای بز می تکی در آن روزگاران بسیار کم انجام می گرفت و گویا تنها زنان و رقصه های زیباروی بودند که برای خوشایند سران قبیله ها و فرمانروایان و زورمندان، برقصهای تفریحی شهوانی تکی می پرداختند، این تندیس مفرغی می تواند یکی از این گونه رقصها بشمار آید.

تکه مفرغی است بشکل آدمی از «تپه گیان» نهاوند، از نیمه هزاره سوم پیش از میلاد که اکنون در مجموعه هر تسفند نگاهداری می شود.

حالت و طرز قرار گرفتن بازوان این تندیس مفرغی ما را بیاد رقصهای «تکی» بز می که هنوز در همه جای جهان متداولست می اندازد. (بیکرة شماره ۳۰).